جام جهانی

گفت‌وگو با محمد پنجعلی

تفکر دفاعی درستی نداریم

پنجعلی ۱۹- ۱۸ سالش بود که همراه تیم ملی به جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین رفت. او را برده بودند کسب تجربه کند که کرد. حالا هم جزء قدیمی‌هایی است که اصلاً فرصت بازی به او نمی‌دهند هر وقت صحبت‌هایی بر سر پست گرفتن او در تیم پرسپولیس یا یکی از تیم‌های ملی می‌شود، باز بی‌نتیجه می‌ماند. بازیکنی که تجربه بازی در تیم منتخب آسیا را دارد این روزها بیشتر در عالم کاسبی سیر می‌کند تا مربیگری. بعضی از علاقمندان فوتبال او را در کشورهای حوزه خلیج فارس می‌بینند، البته به قصد تجارت. پنجعلی البته الان پیشنهاد اول و آخرش این است که باید از کل تیم ملی و برانکو در آستانه جام جهانی حمایت کرد تا شاید فرجی شود.

...

■ آقای پنجعلی، یکی از دغدغه‌های فعلی ما خط دفاعی است. چه کار کنیم مشکلات دفاع ما حل شود؟

مشکل اصلی ما تفکر دفاعی است، نه بازیکن‌ها. کل تیم باید تفکر دفاعی صحیحی داشته باشد که ندارد. در زمان دفاع کم‌تعداد هستیم، مدافعان ما خیلی از موارد کم‌تعداد هستند، تنها می‌شوند در موقعیت تک به تک و دو به تک زیاد قرار می‌گیرند. ما غیر از این موارد در پوشش‌ها و فشار آوردن به حریف مشکل داریم. پرس را خوب اعمال نمی‌کنیم. همیشه هم این ضعف را داشته‌ایم. البته پای تخته نمی‌شود این را حل و فصل کرد. باید به حدی در تمرینات این چیزها را کار کرد و تمرین کرد که ملکه ذهن بازیکن‌ها شود. باید به حدی عمل کرد که کمبودی نباشد. همین چیزهاست که تفاوت مربیان بزرگ را با کوچک مشخص می‌کند.

■ البته این وسط خود بازیکن هم مهم است که بتواند اجرا کند...

حتماً. باید بازیکنانی را برای این کار پیدا کرد. اگر مربی می‌بیند که آن بازیکن‌ها توانایی پیاده کردن دستورات او را ندارند، باید بگردند دیگران را جایگزین کنند. با این حال تمرین خیلی مهم است، تنها با تکرار است که هوشیاری بازیکن‌ها در آن مورد خاص بیشتر می‌شود...

■ خیلی‌ها پیشنهاد می‌کنند سهراب بختیاری‌زاده و کریم باقری بیایند مشکلات کمتر می‌شود.

مشخصاً بازی کریم و سهراب را خیلی قبول دارم. این فصل هم خیلی خوب کار کردند. ولی الان اضافه شدن آنها به تیم دیر است. باید بازیکنانی در جام جهانی بازی کنند که در یکی دو سال گذشته در جو و فضای اردو باشند. با بچه‌ها غریبه نباشند. الان دیگر حتی برای تزریق آمپول هم به تیم دیر است. ضمن اینکه باید دست برانکو را درباره این مسائل باز نگه داشت و او را اسیر نکرد.

■ می‌گویند شما قبل از جام جهانی ۹۸ چندجلسه‌ای هم با مدافع‌های تیم صحبت کردید و از نظر ذهنی به آنها کمک کردید. درست است؟

نه. قرار بر این بود، اما نشد. اولش حرف این را مطرح کردند ولی بعد هیچ خبری نشد. البته از اول هم می‌دانستم این پیشنهادها همیشه در حد حرف باقی می‌ماند. چون اگر حمل بر خودستایی نباشد تیم ملی کلاً با بازیکنان درشت مثل من همیشه مشکل داشته. مثلاً اگر چیزی غیر از این بود الان می‌رفتند سراغ عابدزاده از تجربیاتش برای دروازه‌بان‌ها استفاده می‌کردند.

■ عابدزاده مگر می‌تواند کمکی کند؟

چرا نمی‌تواند. برخلاف حرف بعضی‌ها. احمدرضا اصلاً از نظر ذهنی هیچ مشکلی ندارد. ذهنش هم مثل کامپیوتر کار می‌کند، فقط بعضی وقت‌ها جملات را پس و پیش می‌گوید.

■ خود شما فکر می‌کنید تیم ملی از گروهش صعود می‌کند؟

اگر بازیکن‌ها در «مود» خودشان باشند احتمال صعود هم هست. ولی کلاً نمی‌شود پیش‌بینی کرد. یادم هست سر یک کلاس مربیگری تله سانتانا شرکت کرده بودم که می‌گفت به این خاطر در جام جهانی ۸۲ شکست خورده که برزیلی بازی نکرده بودند و به جای پایبند بودن به فوتبال برزیلی، مشغول بازی در یکسری سیستم‌های دست و پا گیر شده بودند.

■ پرتغال قدرتمندتر است یا مکزیک؟

پرتغال، چون بازیکنانشان خیلی بزرگ‌ترند. باهوش‌ترند و باتکنیک زیادی بازی می‌کنند. باید برای نتیجه گرفتن در زمین خودمان دفاع کنیم. قبول کنیم که فاصله زیادی با آنها داریم.

بنابراین باید در تمام مسابقه در زمین خودمان نفرات بیشتری در اختیار داشته باشیم. البته آنها همانقدر که تکنیکی هستند، دریبل‌خور هم هستند و با کمک بازیکنان سرعتی و تکنیکی خودمان مثل مهدی و کریمی می‌توانیم حملات خوبی داشته باشیم. مکزیکی‌ها هم البته خوبند ولی ما شانس برد بیشتری جلوی آنها نسبت به بازی پرتغال داریم. ضمناً مکزیکی‌ها هرگز در جام جهانی موفق نبوده‌اند و این بخت ما را زیاد می‌کند.

عکس: فارس

با بهمن فروتن در جاده کمربندی آمل

سقوط، تراژدی نیست

مانی راهبر

به کمربندی آمل که می‌رسد می‌داند که دیگر چیزی به نوشهر نمانده. اینجا جایی است که می‌شود موبایل را دوباره روشن کرد و منتظر تماس خبرنگارانی ماند که این روزها زیاد زنگ می‌زنند. بهمن فروتن البته می‌داند که سئوال‌ها بیشتر به سمت وضعیت بحرانی شموشک در ته جدول و احتمال سقوط می‌گراید اما سرمربی خوش‌صحبت و امیدوار شموشک همچنان به بقا در لیگ برتر امیدوار است. بنابراین اتومبیل را در شانه خاکی جاده پارک می‌کند و حرف می‌زند. می‌رود سراغ مسائلی که این روزها مایه دلخوشی او و سران باشگاه است.

چند هفته‌ای است که سفید و سبزهای نوشهر با وجود قرار گرفتن در رده پانزدهم بازی‌های خوبی از خودشان نشان می‌دهند. مساوی در برابر استقلال آن هم در آزادی و البته فولاد در شوشتر روحیه بازیکنان شموشک برای بازی‌های بعدی را حفظ کرده و آنها با وجود شکست در برابر ابومسلم همچنان به بقا امیدوارند. «گل بدی جلوی ابومسلم خوردیم. روی روحیه تیم اثر گذاشت، اما تیم ما به خودباوری رسیده و حالا در داخل و خارج از خانه یک‌جور بازی می‌کند. فکر می‌کنم حتی ما در خارج از خانه بهتر هم هستیم.» شاید اگر مدیران شموشک حدس می‌زدند که چنین محبوبیتی در پایان فصل پیدا خواهند کرد سیاست‌های ریاضت‌گرایانه خود در اول فصل را تغییر می‌دادند. بهمن فروتن می‌گوید: «یکی دو روزی که در تهران بودم با چند نفر از ایرانی‌های مقیم خارج صحبت می‌کردم. آنها می‌گفتند شموشک محبوب‌ترین تیم در بین ایرانی‌های مقیم اروپا و آمریکا است. ایرانی‌های آن طرف زمین خیلی نسبت به نتایج تیم ما حساسیت نشان می‌دهند و اخبار را پیگیری می‌کنند. فکر می‌کنم ما تیم دوم خیلی از شهرستان‌ها هم هستیم. در هفته‌های اخیر به هر شهری که برای مسابقه رفتیم با محبت مردم مواجه شدیم. شاید باور نکنید اما در آبادان، شوشتر و مشهد کلی از بازیکنان ما امضا گرفتند.»

شموشک درست از آن وقتی که مربی‌اش گفت برای نتیجه بازی می‌کند به آب و آتش زده و بی‌محابا بازی کرده است. البته فروتن عوامل دیگری را هم در این موضوع دخیل می‌داند. «۲۸ هفته از لیگ گذشته و بازیکنان ما مثل فولاد آبدیده شده‌اند. آنها به موقعیتی رسیده‌اند که می‌توانند جلوی هر تیمی بازی کنند. حالا رسانه‌ها هم تحویلشان می‌گیرند و این پشتیبانی رسانه‌ها احساس خوبی به آنها می‌دهد. بچه‌های شموشک فکر می‌کنند حالا خیلی‌ها آنها را دوست دارند. بنابراین با احساس مسئولیت زیادی بازی می‌کنند. فکر می‌کنم اگر شموشک بیفتد یک گوشه‌ای از لیگ ایران از نظر ایرانی‌های مقیم خارج افتاده.»

با این حال تمام این محبت‌ها و توجهات تضمینی برای بقا نیست. فروتن سعی می‌کند فضای روانی تیم را حفظ کند و با تمام وجود سعی دارد تیم را نگه دارد. شموشک حالا آن رقیب کوچولوی اول فصل نیست و روحیه محکمی به تیم تزریق شده. شاید اگر در آن روز کذایی شموشک تیمش را از زمین برق شیراز بیرون نمی‌کشید حالا اینقدر اوضاع پیچیده نمی‌شد. «وقتی دیدم هفته بعد از بازی ما با برق، مهدی شیری پنالتی را به آسمان زد افسوس آن بازی را خوردم. افسوس ما وقتی بیشتر شد که یادمان آمد دروازه‌بان پنالتی‌گیری توی دروازه داشتیم، اما با این حال گذشته‌ها گذشته. بعد از آن روز آقای مهندس درویش هم گفت که حق با تو بود و به همه بگو که تو موافق بیرون کشیدن تیم نبودی.»

البته شموشک خود را سه امتیاز طلبکار می‌داند. آنها هنوز مصرانه پیگیر شکایتشان از صباباتری هستند. دیداری که به زعم آنها صباباتری با یک بازیکن غیرمجاز استفاده کرد. «صد درصد معتقدیم که سه امتیاز آن بازی باید به ما برسد. اما اگر عملکرد فدراسیون طوری باشد که تا به حال بوده سه امتیاز به ما نخواهد رسید. البته از طرف فدراسیون به ما گفته‌اند که صبر کنید مدارک بررسی شود. آنها وعده داده‌اند که حتی اگر بررسی مدارک به بعد از اتمام لیگ هم برسد حق را به حقدار خواهند داد. منتها اگر نتیجه این شکایت زودتر مشخص شود و احیاناً سه امتیاز به ما برسد روحیه ما خیلی بهتر خواهد شد. ما معتقدیم این سه امتیاز مال ماست چون این بازیکن در یک زمان عضو بیش از یک باشگاه بوده.» اینکه واکنش کمیته انضباطی فدراسیون در مورد شکایت شموشک چه باشد به درستی معلوم نیست اما سابقه رای کمیته انضباطی درباره ذوب‌آهن امیدوارکننده نیست. به هر حال شموشک با استقلال اهواز به زودی دیدار می‌کند، آن هم در شرایطی که در این بازی خانگی چندان شور و حالی دیده نخواهد شد. «تماشاگران از تماشای این بازی محروم هستند و بنابراین ما در حیاط خلوت نوشهر بازی خواهیم کرد. نمی‌خواهم ناله کنم اما واقعاً حرف‌های ۲۰ نفر تماشاگر در نوشهر باید با این جریمه روبه‌رو می‌شد. من مشابه همین حرف‌ها را در شهرهای دیگر به دفعات شنیده‌ام. به هر حال دوست ندارم نقطه ضعف نشان دهیم. ما با حریفان و عوامل حاشیه‌ای روبه‌رو هستیم و باید حساب همه چیز را بکنیم.» شموشک باید حساب زمین ناهموار و پر از دست‌انداز نوشهر را هم بکند که در طول این فصل به باشگاه وفا نکرده. «هر جایی که زمین خوب بود بازی ما خیلی بهتر شد. به ما گفتند شموشک... برزیلته... اما اگر سقوط کنیم یکی از مهمترین دلایل، همین زمین نوشهر بوده است.» بهمن فروتن البته چندان از سقوط وحشتی ندارد. او وضعیت کلی شموشک را محکم‌تر از آن می‌بیند که با سقوط همه چیز از هم بپاشد. «اوضاع شموشک خیلی خوب است. این باشگاه که فقط شامل یک تیم نیست. شموشک هزار تا بازیکن دارد. دو تا مدرسه فوتبال دارد که یکی در گرگان و دیگری در نوشهر است. بیشتر بازیکنان ما از همین مدرسه‌ها آمده‌اند. یک تیم حرفه‌ای در لیگ بازی می‌کند و پایین دست آن هم مجموعه‌ای تشکیل شده که بازیکنان بااستعداد را از خیابان‌ها جمع می‌کند. چند وقت پیش آقای درویش به من گفت که شنیده مصطفی مهدی‌زاده در نوشهر زمین خریده است. او خیلی احساس خوشحالی می‌کرد که بچه‌های شموشک حتی اگر از این تیم بروند دوباره یک روز برمی‌گردند و در شهرشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. شموشک ریشه‌های عمیقی در مازندران دارد.» حال که اوضاع رو به وخامت گذاشته اهالی نوشهر و مازندران سعی می‌کنند حمایت بیشتری از تیمشان بکنند. فروتن می‌گوید اهالی نوشهر سمپاتی بیشتری با شموشک پیدا کرده‌اند چون می‌بینند که اگر احساسشان را نشان ندهند از اهالی بقیه شهرها عقب می‌مانند.

به هر حال شموشک حتی در صورت سقوط در دنیای فوتبال نفس خواهد کشید، اما آیا بازیکنان در این تیم می‌مانند؟ بهمن فروتن می‌گوید: «اول فصل که آمدم، پنج شش بازیکن خوب بیشتر در تیم وجود نداشت و خیلی‌ها رفته بودند اما حالا ما ۲۲ بازیکن خوب در سطح لیگ برتر داریم که همگی حداقل ۲ سال با شموشک قرارداد دارند. به اینها چند بازیکن رده امید هم اضافه کنید که پخته و رسیده‌اند. بنابراین شموشک در صورت بقا یا سقوط به بازیکن جدید نیاز ندارد. اگر به لیگ یک سقوط کند راحت به لیگ برتر برمی‌گردد و اگر بماند هم آینده روشنی در انتظارش خواهد بود. شک نکنید که به هیچ وجه اوضاع فاجعه‌بار نیست.» اما وضعیت شموشک و فروتن چه می‌شود؟ آیا مربی خوش‌مشرب و بذله‌گو باقی می‌ماند. فروتن می‌گوید: «فعلاً که فقط به دو هفته پایانی فکر می‌کنم و تا پایان قراردادم یعنی تا سوم اردیبهشت با هیچ تیمی مذاکره نخواهم کرد حتی با شموشک. سوم اردیبهشت قبل از همه با شموشک مذاکره می‌کنم. خواسته‌های من و شموشک باید بررسی شود اگر به توافق نرسیدیم آن وقت با باشگاه‌های دیگر مذاکره می‌کنم.» فروتن گرچه با هیچ کدام از تیم‌های خواهانش حرف نزده اما دریافت پیشنهاد از تیم‌های دیگر را رد نمی‌کند. «همین دو سه روز پیش از یک باشگاه پیشنهاد داشتم اما من فعلاً کارمند شموشک هستم. البته باید شموشک هم من را بخواهد تا فصل بعد بمانم. فعلاً که به شموشک خیلی امید دارم. فکر می‌کنم الان به تیمی تبدیل شده که به قول معروف هر مربی با این تیم حال می‌کند. البته من هم خواسته‌هایی دارم که به نفع مجموعه است و فردی نیست.» اخراج‌های آخر فصل هم چندان فروتن را نگران نکرده.

او در مورد ذوالفقارنسب می‌گوید: «ساپیا قطعاً از اخراج بیژن ضرر کرد. مردم دوست ندارند مربی اخراج شود اما برای بیژن نباید این موضوع را مثل تراژدی تلقی کرد. ذوالفقارنسب مربی گردن‌کلفتی است و مطمئن باشید که سال دیگر بهتر می‌شود. اصلاً اخراج مربی را می‌سازد.»

دیگر وقت رفتن است. تلفن که قطع می‌شود چراغ راهنمای سمت چپ چشمک می‌زند. تا نوشهر یک ساعت بیشتر راه نیست و فروتن می‌تواند در این یک ساعت راهی برای بقا پیدا کند. آیا شموشک می‌ماند؟

در صورت موافقت راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی

جام جهانی در میدان ونک

مهدی زعیم‌زاده

پخش مسابقات فوتبال از تلویزیون‌های شهری یک امر کاملاً متداول در شهرهای اروپایی است. به‌عنوان نمونه در هنگام برگزاری جام جهانی شهروندان آلمانی و مسافرانی که در آن روزها به این کشور سفر می‌کنند می‌توانند از طریق صفحه نمایش‌هایی که در اکثر شهرهای میزبان نصب خواهد شد بازی‌ها را تماشا کنند. خبر این است که قرار است در ایران برای اولین‌بار چنین تجربه‌ای به اجرا دربیاید. اگر در روزهای گذشته گذرتان به میادین ونک، هفت‌تیر و قدس (تجریش) افتاده باشد احتمالاً متوجه شده‌اید که تلویزیون‌های بزرگی در این سه میدان بزرگ نصب شده‌اند. تلویزیون‌هایی که بازی‌های جام جهانی را پخش خواهند کرد. از سه، چهار روز پیش با پخش وله‌های تبلیغاتی پخش این مسابقات وعده داده شد و دو ماه بعد برای اولین‌بار شهروندان تهرانی می‌توانند در وسط شهر مسابقات فوتبال را تماشا کنند. از آنجایی که تا به حال چنین اتفاقی به وقوع نپیوسته، می‌توان پیش‌بینی کرد که این صفحه نمایش‌های بزرگ عابران را در میادین قدس، ونک و هفت‌تیر میخکوب می‌کنند. از ۶ ماه پیش بود که سازمان زیباسازی شهر با همکاری پیمانکارهای داخلی و خارجی دو تلویزیون بزرگ با مساحت ۱۱۲ متر مربع را در میدان‌های پرتردد ونک و هفت‌تیر نصب کرد. چند هفته بعد تلویزیون دیگری با مساحت ۶۳/۵ متر مربع در میدان هفت‌تیر راه‌اندازی شد تا کلان‌شهر تهران صاحب سه تلویزیون بسیار بزرگ و مدرن در سه میدان معروف خود شود. در این چندماهه که این تلویزیون‌ها کار خود را شروع کرده‌اند پخش تیزرهای تبلیغاتی بخش عمده‌ای از برنامه‌های آنها را تشکیل داده است. همچنین از این تلویزیون‌ها برای اطلاع‌رسانی عمومی و پخش پیام‌هایی در مناسبت‌ها استفاده می‌شود، اما پخش یک مسابقه فوتبال تجربه جدیدی است که شرکت «تصویرسازان سیما» که مجری راه‌اندازی و اداره این سه تلویزیون است به دنبال انجام آن است.

به نظر می‌رسد این پروژه مورد استقبال عموم قرار بگیرد، چرا که در هنگام برگزاری جام جهانی آنقدر تب فوتبال بالاست که مردم دوست دارند در هنگام قدم‌زدنشان در میادین هم فوتبال تماشا کنند، اما در این میان یک نگرانی قابل توجه وجود دارد، احتمال دارد توقف مردم در این میادین اختلالاتی در عبور و مرور شهر به‌وجود بیاورد همچنین جام جهانی است و هیجانات آن. به‌ویژه اینکه پای ایران هم وسط است و به همین دلیل باید برای کنترل هیجانات و احساسات تماشاگران در هنگام تماشای مسابقات هم برنامه‌هایی داشت. مسائل امنیتی را هم باید درنظر داشت. به همین دلیل در روزهای آینده جلساتی بین شرکت تصویرسازان سیما و مسئولان راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی برگزار خواهد شد. اگر راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی به این نتیجه برسند که پخش مسابقات جذاب و پربیننده جام جهانی به نظم و امنیت شهر لطمه‌ای وارد نمی‌کند تمامی تدابیر برای پخش مسابقات درنظر گرفته خواهد شد و این سه تلویزیون از روز ۱۹ خرداد بازی‌های جام جهانی را نمایش خواهند داد. در مورد استقبال مردم از این برنامه هم نمی‌توان پیش‌بینی دقیقی انجام داد چرا که این کار، یک تجربه جدید است. این سه میدان، میادین پرترددی است و نزدیک به ۲۴ میلیون نفر هر روزه از میدان‌های ونک، هفت‌تیر و تجریش عبور می‌کنند. سئوال اصلی این است که چه مقدار از این عابران به تماشای فوتبال علاقه‌مند هستند و در ساعات برگزاری مسابقات جام جهانی در این میادین به تماشای فوتبال می‌پردازند. ضمناً علاقه‌مندان حرفه‌ای فوتبال ترجیح خواهند داد که آن مسابقات حساس و تماشایی را با خیالی آسوده در منزل‌هایشان نگاه کنند و خانه‌هایشان را به میدان ونک ترجیح می‌دهند. با این حال می‌توان تصور کرد که از ۱۹ خرداد به بعد غروب‌ها و شب‌ها در هنگام مسابقات عده‌ای با تنقلات در پیاده‌روها و فضاهای سبز میدان‌های ونک، قدس و هفت‌تیر مستقر می‌شوند و فوتبال نگاه می‌کنند. به اعتقاد شرکت تصویر سازان سیما این مسئله یک مزیت بزرگ دارد. «در گذشته در هنگام پیروزی‌های مهم تیم ملی مردم بدون نظم و هماهنگی در تمام سطح شهر به شادی می‌پرداختند. در این میان عده‌ای هم شیطنت می‌کردند اما این سه تلویزیون بزرگ شهری به این سه میدان مرکزیت می‌دهد و بهتر می‌توان احساسات مردم را کنترل کرد.» در این میان شرکت تصویرسازان سیما از پخش این مسابقات به چه منفعتی می‌رسد. یکی از مسئولان بخش بازرگانی این شرکت در این باره توضیح می‌دهد: «پخش این مسابقات از نظر اقتصادی سودی برای ما ندارد و این شرکت در این پروژه اهداف اقتصادی دنبال نمی‌کند. سازمان بازسازی شهر همواره در مناسبت‌ها، اعیاد و شهادت‌ها برنامه‌هایی متناسب با این روزها از این تلویزیون‌ها پخش می‌کند و پخش مسابقات فوتبال هم بدون هدف اقتصادی در دستور کار قرار گرفته است.» حتماً متوجه شده‌اید که بخشی از برنامه‌های این سه تلویزیون به پخش تیزرهای تبلیغاتی اختصاص دارد و این تلویزیون‌های شهری به نوعی خودکفا هستند و از طرفی آنقدر وقت کافی در اختیار شرکت تصویر سازان سیما وجود دارد که بتوانند برنامه‌های جذاب و متنوع دیگری هم پخش کنند. در حال حاضر این تلویزیون‌ها از ۶ صبح تا ۲ بامداد روشن هستند. ۳ ساعت از ۲۰ ساعت به پخش پیام‌هایی در ارتباط با زیباسازی شهر اختصاص دارد و در ۱۷ ساعت دیگر برنامه‌هایی دیگر ازجمله پیام‌های بازرگانی و نماهنگ نمایش داده می‌شود. از نظر مسائل فنی برای پخش مسابقات هیچ مشکلی پیش روی شرکت تصویر سازان سیما نیست و تصاویر با بهترین کیفیت صوتی و تصویری پخش خواهد شد. شاید در این چندماهه به ندرت صدای این تلویزیون‌ها را شنیده باشید و تنها در آخر شب‌ها و ساعات خلوت روز صدای این صفحات نمایش به گوش می‌رسد اما در جام جهانی از نظر صوتی هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت. اگر حداکثر توان صوتی این تلویزیون‌ها را ۱۰۰ در نظر بگیریم در حال حاضر برای جلوگیری از آلودگی صوتی بلندی صدا روی عدد ۷ تنظیم شده اما در مسابقات جام جهانی قدرت صوتی این تلویزیون‌ها سه برابر خواهد شد و بینندگان به راحتی می‌توانند صدای گزارشگر را بشنوند، البته اگر تصاویر پخش شده همان تصاویر شبکه سه باشد. پخش تصاویر باکیفیت‌تر شبکه‌های ماهواره‌ای در اولویت قرار دارد، البته در این میان یک مشکل پیش روی مسئولان تلویزیون‌ها است. طبق دستورالعمل وزارت ارشاد باید تصاویر مسابقات فوتبال با چند ثانیه تاخیر پخش شود تا از پخش صحنه‌هایی که با فرهنگ ما مغایرت دارد جلوگیری شود. اگر شرکت تصویر سازان سیما بتواند به خوبی تصاویر را دریافت و آنها را تعدیل کند بر روی تلویزیون‌های خود می‌فرستد و در غیر این صورت به آنچه شبکه سوم سیما پخش می‌کند بسنده می‌کند، پس منتظر باشید و از ۱۹ خرداد با یک بسته تخمه و تنقلات در میدان‌های ونک، قدس و هفت‌تیر بازی تیم‌های مورد علاقه خود را تماشا کنید!

عکس: مژده روزی طلب

ادامه دقیقه صفر

بکش تا زنده بمانی

شموشک «سقوط کننده ۹۹ درصد» بعید است دوباره با فروتن کار کند و قندی پس از صد درصد شدن سقوطش دلیلی برای ادامه همکاری با مجید جلالی‌ای نمی‌بیند که پس از گرفتن جای یورگن گده کار بزرگی در یزد صورت نداد و نتوانست بختک سقوط را از تیمش دور کند.

دنیزلی اگر پاس قهرمان نشود بعید است که ماندنی باشد و اگر مسئله قرارداد او با این تیم و تعهدات حاصله در کار نبود، شاید وی ماه‌ها پیش، از تهران می‌رفت و حتی گفته می‌شود که سردار آجورلو هم خسته شده است و شاید فصل بعد در پاس نباشد و اگر این تغییرات رخ دهد، بسیار بعید است که ما باز دنیزلی را فصل بعد روی نیمکت سفید و سبزهای تهرانی ببینیم.

اگر غلام پیروانی را که به کرات ثابت کرده به درد بخورترین مربی برای «سیستم‌های مالی نه‌چندان چشمگیر» فجر سپاسی است نادیده بگیریم و چنانچه امیر قلعه‌نویی را (که شاید سرانجام استقلال را قهرمان کند) از محاسبات خود خارج کنیم، هیچ یک از مربیان لیگ جایگاه محکم و ثابتی ندارند. تاوارس که با میل خودش به یکی از همان مرخصی‌های (!) معروف رفته بود تا یک میلی متری برکناری پیش رفت و وقتی پس از سه هفته به کشور بازگشت مدیران سپاهان او را دوباره پذیرفتند اما امروز که سپاهان در لیگ نه برنده است و نه بازنده، اطمینان و اعتباری در دست نیست که در پایان فصل یک برگه مرخصی طولانی‌تر به دست وی داده نشود.

حتی زیرپای محمدرضا کربکندی نیز پس از شکست‌های متوالی ذوب‌آهن در اواسط فصل به قدری سست شده بود که شایعه برکناری او همه جا پیچیده بود و فقط چند پیروزی تازه و به خصوص شکست دادن «پاس بدون دنیزلی» وی را تثبیت و ابقا کرد. با این حال اگر معیارها و اهداف ذوبی‌ها چیزی نبوده باشد که کربکندی برای آنها به ارمغان آورده است، شاید تغییراتی در ذوب‌آهن نیز در کار باشد.

تغییر در پرسپولیس الزامی بود. این تیم هم بد بازی می‌کرد و هم بد نتیجه می‌گرفت.

اینچنین بود که پروین و ابراهیمی رفتند و هان و دی یونگ آمدند ولی اگر شعار تکذیب شده «ما قهرمان جام حذفی می‌شویم» به حقیقت نپیوندند و سرخ‌ها در ده هفته آغازین فصل بعد باز به سیستم‌های معروف «اوت دست» برای گلزنی اکتفا کنند، شاید حوصله مدیران پرسپولیس از مربیان خارجی هم سر برود. مشکل تیم‌های بزرگ این است که برای پیروز شدن صبر ندارند و اگر چند هفته متوالی بد نتیجه بگیرند، باید دست به تغییر مربی بزنند. کسانی که بازی‌های اخیر پرسپولیس را در برابر صباباتری و ابومسلم و استقلال اهواز دیده‌اند چندان دلگرم نشده‌اند و آری هان سابقه‌ای طولانی در «فرار» دارد!

اینها آیه یاس نیست. الزام‌های فوتبال باشگاهی است. «بکش تا زنده بمانی.» باید برنده شوی تا ماندنی شوی. باید حتماً نتیجه بگیری تا در این هنگامه دلیلی برای بقا بیابی و مدیران باشگاه حفظ ات کنند. شعار «فوتبال زیبا» حرفی بیش نیست. در خارج نیز همین طور است و لااقل در این مورد خاص (مثل مسئله پرداخت‌ها) فوتبال ما به خوبی از روی دست خارجی‌ها کپی برداری کرده است. می‌گویند تیم شهید قندی به کلی منحل خواهد شد و اصلاً در صحنه نخواهد ماند و حتی اگر چنین نباشد، مجید جلالی باز هم باید به دنبال یک باشگاه جدید باشد. ابراهیمی نیز همین طور. یاوری اگر روی ابقایش در باشگاه استقلال اهواز حساب کند، واقعاً خوش‌خیال خواهد بود.

غلام پیروانی می‌ماند و تیمش و «امیرخان ژنرال» و استقلالی که اگر با او قهرمان شود، به پایش بیشتر پول خواهد ریخت. در این میان خاطره «کار دکتر» هنوز با ما همراه است. کسی که در قانون «بکش تا زنده بمانی» به خوبی جا افتاده و بسیاری از حریفان ساپیا را کشت تا تیمش را مدعی قهرمانی کند و خودش هم بماند، اما باز هم کنارش گذاشتند. در سیستم فوتبال ما بین او و مربیان «قعرنشین‌ها و سقوط کرده‌ها» فرقی بزرگ وجود دارد، اما در جهت عکس زیرا او را کنار می‌گذارند اما آن مربیان مانده‌اند تا همراه با تیم‌شان سقوط کنند. محمدحسین ضیایی هم می‌تواند کاندیدای عاجل بعدی باشد. او در صباباتری بدنتیجه نگرفته است و هرچند «ذوالفقارنسب» نبوده، اما تیمی را که در جدول رده‌بندی دهم بود تا رده سوم بالا کشیده است و بنابراین تمام دلایل برای برکناری او فراهم است!!

از همه جالب‌تر دریای شایعاتی است که درباره انتصاب همین مربیان در تیم‌های جدیدشان برای فصل بعدی شنیده می‌شود بگرد تا بگردیم.